**[بهشتی ها...](http://www.alijabari.ir/post/144)**

بهشتي فقط يك نام نيست كه هر سال در هفتم تير از او تجليل كنيم و او را بستاييم، بلكه يك فرهنگ و قاموس است. فرهنگي كه در لحظه لحظه سرافرازي اين ملت، نقشي سترگ و در صحنه صحنه اين انقلاب حضوري برجسته دارد.
مكتب بهشتي چون خوني تازه و جوشان در شريان هاي پيكره حيات معنوي اين نهضت حسيني، جاري است.
اصلاً چرا بايد هميشه همه، مثل هم بنويسند؟ چه كسي اين كليشه بي تأثير را ساخت كه سه دهه است در هر مناسبتي فقط از سجايا و اخلاقيات هر از دست رفته اي بايد گفت؟ و كجاست تأثير اين قدرداني ها و كو عبرت اندوزي از اين رويدادها؟

از او با تخم مرغ و گوجه گنديده استقبال مي كردند. خودم ديدم، در كشور خودمان، نه در خارج!

خرده نگيريد، بگذاريد آنها كه نبوده اند و الان مي بينند كه در هفتم تير چپ و راست از بهشتي مي گويند و از زمين و آسمان بهشتي مي بارد، بدانند كه نام بهشتي چرا در تاريخ اين ملت رنج كشيده باقي است؟ و چرا بايد هفتم تير را بزرگ بشماريم؟ و چرا انقلاب خميني(ره) مديون شهداي هفتم تير است؟
بقاي بهشتي مديون مظلوميت اوست. همان مظلوميت كه خميني كبير درباره اش قريب به مضمون فرمود: «چيزي كه شهادت شهيد بهشتي در برابر آن ناچيز است، مظلوميت اوست.»

همان رمز جاودانگي علي(ع)، آنگاه كه در محراب مسجد كوفه به ضربت شقي ترين منافق تاريخ، محاسنش به خون سرش خضاب شد و فرياد برآورد كه «فزت و رب الكعبه.» حتماً شنيده ايد كه وقتي خبرش در شهر پيچيد كه علي را در محراب مسجد به شهادت رسانده اند، كساني گفتند مگر علي(ع) نماز مي خواند؟
و با خود مي انديشم كه علي(ع) از كدام غصه رها شد كه رستگار شد؟ ... بگذريم. بهشتي از همان طايفه بود، از همان قافله كه به سوي حرم دوست مي تاختند و از دشواري راه و خار مغيلان و ملامت ناكسان باكي نداشتند. گرچه دلشان از تيغ تيز طعنه شرحه شرحه بود.

آن روزها، آن رئيس جمهور روسياه با جذاب ترين ابزار تبليغاتي غنيمت آورده از فرنگ، بهشتي و ياران صادقش را در چشم مردمان مغضوب كرده بود؛ چهره مردمي ترين روحاني خدمتگزار را كه همه وجودش وقف خدمت مفيد و مدبّرانه به مردم بود. آري، جز به بهاي شهادت عظيم او و يارانش محال بود پرده سياه تزوير از چهره نفاق دريده شود. در اين موضوع، فراوان مي توان نوشت، ولي مي دانم كه مقالات طولاني خواننده ندارد.

اين همه نوشتم تا تلنگري باشد كه «بهشتي ها» را امروز هم بايد دريافت. خوّاص قوم، چراغ هدايت در دست، بي باك از «لومه لائم» نبايد بگذارند در ظلمات جهالت و تعصبّات كور منافقين قديم و جديد، چهره منور ياران صادق و رفيقان موافق قافله سالار عشق حضرت خميني كبير، مخدوش شود.

و نيايد آن روز كه براي روشن شدن راه، ياري ديگر از ياران امام(ره)، چون شمع بسوزد تا چهره واقعي دشمنان انقلاب آسماني مان بر همگان نمايان شود. خداي را سپاس مي گوييم كه كاروان انقلاب حسيني با رهبري الهي برادر و شاگرد خميني(ره)، كه او نيز زخم كينه نفاق بر دل و دست دارد، بالنده تر از گذشته به سوي نور و رستگاري در حركت است.

***ياد سيد و سالار شهيدان انقلاب، شهيد مظلوم، دكتر بهشتي و ياران باوفا و همراهان باصفاي او كه جانشان را بر سر عهد و پيمانشان با خداي بزرگ نهادند و جاودانه شدند، هميشه گرامي باد.***

====================================================================

مي خواستم از تو گويم اين بار سرود

ديدم كه فراتري از اين شعر فرود

خاموش شدم از آنكه جاري مي شد

از ديده دو رود و بر لبم نيز درود

=====================================================
در محفل عاشقان فرزانه و مست
مي گشت سبوي كربلا دست به دست
ناگاه ز خيل ناكسان، دستي پست
هفتاد و دو پيمانه به يك سنگ شكست\*

--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------**کانال پرورشی مدارس**

**@arshivemorabi**

-----------